

مبارزات پی گیر «خاک و خون» و کوشش های دلیرانه ، مردم آزاده و ایران پرستی که بگرد درفش رستاخیز ناسیونالیستی ملت ایران حلقه زده اند ، سبب گردیده است که آرمانهای بزرگ ملت ایران ، برغم همه نابکاریها و نا کامیها و برغم همه دسائس و توطئه های دشمنان ملت ایران ، راه خود را در میان مردم این سرزمین بسازد - نتیجه چنین کوششهای افتخار آمیز و مبارزاتی راستین ، آگاهی و هشیاری بسیاری میباشد که اکنون در قشرهای گوناگون اجتماع احساس میگردد و آنچه را که از حقوق ملت ایران میباشد مردم این سرزمین باید گامی باز در میابند و پیوستن به جهاد بزرگی که برای استرداد حقوق از دست رفته ملت ایران آغاز و دنبال گردیده است ، بسان آئینی که ریشه های نفوذ و حقانیت خود را در اطراف میکشوند ، اوج و شکوهی بسیار یافته است .

اکنون ، گمانیکه ، با «خاک و خون» این زبان آزادگان ایران پرست ، پیوندهای قلبی یافته اند ، خود هر يك ، در هر کجا که هستند ، بسان مبارز دلی و کوشنده های بیدار ، نگران و ناظر بر حقوق ملت ایران هستند - آنها خود درفش مبارزه را بردست گرفته اند و در راه شکوهمند تاریخ که «خاک و خون» بر آنان عرضه کرده است با شهامت و شتاب پیش میروند - اکنون کار گسترش این نبرد بدانجا کشیده است که «خاک و خون» در موارد بسیار خود از خوانندگان وفادار خویش الهام میگردد و همکاری و همکاری آنان چه بسا بمانند چراغی فروزان روشنگر راه مبارزه ما گردیده است . بجاست که در این باب بهنگام خود سخنی بسزا گفته شود و اثرات ثمربخش و پیروزی گرای شماره عائی متعدد از «خاک و خون» را که تاکنون انتشار یافته است مورد بحث و اشاره قرار دهیم ، اما این سخن را بوقت دیگر میگذاریم و مراد از بیان این مقدمه اینست که در میان دهها نامه پر شور و آگاهی بخش خوانندگان که بسوی «خاک و خون» فرستاده شده است ، نامه ای نیز از آن خواننده گرامی ما آقای عزیز آله سلطان زاده میباشد - سلطان زاده نامه ای موثر و پرا حساس برای ما فرستاده است - هر جمله از نامه او دریایی از ایمان و اعتقاد بملت ایران و هشیاری و آگاهی بحقوق حقه این ملت را در بر دارد - او در ضمن نامه خود اینگونه مینویسد :

بقیه در صفحه ۴

دیدم امروز که آلوده تر می چیدی بعد از این سجده به آلوده تر خواهیم کرد

گوینده شعر بالا هم از حکومت متحده جهانی دفاع کرد

باز هم دیروز عقول قسوم ، بطور مجانی ، در باشگاه دانشگاه تهران ، گرد هم آمدند تا در باره فواید حکومت متحده جهانی داد سخن دهند .

نسل جوان ایران ، نسل نفرین شده ای است زیرا از زمانیکه خود را شناخته است - بایبیکانکس و بیگانه پرستان دست بگریبان بوده است - در سال ۱۳۲۰ دشمنان از شمال و جنوب و شرق و غرب بخاک ما هجوم آوردند و زیر سایه سرنیزه آنان بزرگترین مصیبت ها آغاز گردید و عظیم ترین مکتب بیگانه پرستی که ناشر افکار جهان وطنی بود پدید آمد ، همین پرستان و ناسیونالیستهای ایران چه بارزات سخت و توانفرسائی را گذراندند و نسل جوان چه تلفات مهلکی داد تا بالاخره آتش تبلیغات آنان بسر دی گرائید و مکتب آنانان بر چیده شد . و اکنون لااقل در هر کوی و برزن و در هر کلاس درس سخن از موهوم بودن افکار و اندیشه های ملی و تبلیغ جهان وطنی در میان نیست .

اکنون زمانی رسیده است که دستگاه های آموزش و پرورش بتوانند بر پایه مثبتی ناسیونالیسم را که آئین شناسائی نوامیس بقا و عظمت ملت ایران می باشد تعلیم دهند و آیندگان را در برابر خطرات تبلیغات جهان وطنی مصونیت بخشند .

ولی بدبختانه می بینیم حالا که بلندگوهای عوامل مارکسیست کمونیست خاموش شده است جمعی از پیران قوم علم برداشته اند و سخن از موهوم بودن مشرق و مغرب میگویند و بخواطر آنکه مجمعی بوجود آورند که در آن تعداد آراء نیرومندان جهان پرمملتهای تازه استقلال یافته و از بندرسته برتری داشته باشد تبلیغات می کنند . آنهم چه

خاک و خون

از صالح همیهن کرد آنسوی مرز

حکومت عراق بر همه ظلم میکند عربهای عراق نیز دچار شکنجه و ستم شده اند !

علیه دیکتاتوریت نظامی برخاسته ایم که از جانب چند افسری اداره میشود ، و اکثریت مردم عراق را زیر ستم و شکنجه گرفته است ما میخواهیم در عراق يك بقیه در صفحه ۴

بررسی روی دادها

رابطه بیکدیگر بسته شده اند ، یکم رابطه مسلمانان ، دویم هم کشور ، زیرا بعد از آنکه استعمار انگلیس «حکومت شیخ محمود برزنجی» را بخصاطر مصالح خود ملنی ساخت ، و کردستان جنوبی را به عراق پیوسته نمود ، از آن روز تا بعد از تشکیل جمهوریت ، ریبین کردها و اعراب ، اختلافی چندین رخ نداده بوده ، که باعث تنفر از یکدیگر شود .

در خلال شش سال جنگ کرد با حکومت عراق ، همیشه رهبر کردان مبارز و آزادیخواه آقای «بارزانی» گفته است : «ما با عرب دشمن نیستیم . کرد و عرب برادر هستند ما

از : دکتر عاملی تهرانی

دفاع از زبان پارسی

در دانشگاه پهلوی شیراز

زیرا مشاهده میکنیم ، «علی رغم این علائق و خصوصیات بین المللی ، دانشگاه پهلوی يك موسسه ایرانی باقی مانده و خواهد ماند .

هر چند بخواهر تأمین وسائل اساسی برای يك ارتباط تبادل سراسر جهان دانشگاه پهلوی دو زبان نمیشد . مطالب تاریخی و فرهنگی مربوط بایران بزبان فارسی تعلیم داده میشود و مطالب مربوط بسوابق فرهنگی مغرب زمین ، علوم جاری و تکنولوژی به زبان انگلیسی که تقریباً جهانی ترین زبانهاست تعلیم داده میشود . قرارداد پایه دوزبان برای دانشگاه امری ضروری تلقی شده بقیه در صفحه ۲

سخن روز آذر

برنامه دانشگاه پهلوی شیراز با همکاری دانشگاه پنسیلوانیا تدوین گشته است ، در جزوه راهنمای دانشگاه پهلوی شیراز پس از اشاره باین همکاری عبارات

ما بر مردان بزرگ و افکار عالی از میان هر ملتی که برخاسته باشد احترام میگذاریم . ما میخواهیم از ثمرات مثبت علم و دانش برخوردار شویم ولی در عین حال باستقلال خود نیز احترام میگذاریم و میخواهیم تمامیت ملی خود را حفظ کنیم و نیرومند شویم - نیرومندان را مجبور کنیم که چشم طمع از ما بردارند .

شما میگوئید کوروش انسان دوست بوده است ما هم بسوچودش افتخار می کنیم ، میگوئید سعدی گفته است بنی آدم اعضای يك تنگ هستند که در صفحه ۳

از : تماشاگر

صحنه تماش

صحنه اول - آدم گاهی چیزهایی میشود که شاخ در میآورد ، از آن جمله است داستان ، هیجده ساعت کار و بیست ریال مزد ! راستش را نخواهید تماشاگر هم ابتدا که این عنوان را در ستون «نامه پسر دبیر» روزنامه کیهان شماره ۶۸۴۷ خواند نتوانست باور کند که قضیه بدینقرار باشد ، تا آنکه متن نامه را مطالعه نمود و معلوم شد ، نامه مزبور از سوی جماعتی از کارگران گرما بها برای روزنامه کیهان فرستاده شده است ، و ضمن آن شرح داده اند که چگونه در هوای مرطوب و گرم و کشنده حمام روزی هیجده ساعت کار میکنند و بر خیز از آنان فقط روزی بیست ریال مزد میگیرند - با خود اندیشیدم که اگر برآستی وضع چنین باشد ظلمی فاحش ، بل افحشی باین گروه از مردم روا میدارند و بچاست که وزارت چلیله کار و خدمات اجتماعی باین موضوع رسیدگی سریع و دقیقی معمول دارد و هر گاه جز این است و مفاد این نامه مقرون بصحت نیست آن را نیز صریحاً اعلام دارد - اکنون شمارا به تماشای متن نامه کارگران گرما بها میبرم ، «با وجود داشتن مترقی ترین قوانین کار در ایران ، کارگرانی که در حمامها کار میکنند ، از کلیه مزایای قانون کار محرومند .

دلآنها و کارگران حمامها از ساعت ۴ صبح تا ۱۰ شب یکنواخت کار میکنند و در مقابل شستن و کیسه کشیدن هر مشتری ، فقط حق العملی میگیرند و بسیاری اتفاق میافتد که يك کارگر فقط بیست ریال در روز اجرت میگیرد . خوبست وزارت کار باین موضوع توجه اساسی بکند و صاحبان گرما بها را موظف سازد که در مورد کارگران گرما بها ، قانون کار را رعایت کنند» بقیه در صفحه ۳

هیچ قدرت و سیاست بیگانه ...

هر سیاست بیگانه نه و تجاوز به خلیج ، هر قدرت استعماری که دستهای جنایتکار خود را بسوی خلیج فارس پیش میآورد ، نخستین هدف خود را مبارزه باملت ایران و قطع رشته های پیوند خلیج فارس با سرزمین ایرانیان قرار میدهد . هیچ قدرت و سیاست بیگانه نبوده است که بخواهد در خلیج فارس باقی ماند و دوست ملت ایران باشد - هیچ سیاست استعماری نبوده است که بخواهد همچنان ثروت های نهفته در خلیج فارس را غارت کند ، حقوق ساکنین خلیج را مورد تضییع و چپاول قرار دهد ، مردم ساحل نشین خلیج را در زنجیرهای اسارت و استعمار خود به پیچیدگی آنگاه بتواند در این منطقه با ملت ایران دوستی و همکاری داشته باشد بهمین مناسبت شما هر گز در طی تاریخ نمیتوانید موردی را پیداکنید که قدرتی استعمار گرونیروئی متجاوز در پهنه خلیج فارس با دشمنان ایران بیعت نکرده باشد و یا آنکه هماهنگی باملت ایران در پیش گرفته باشد .

حاکمیت و استقرار قدرت ملت ایران در خلیج فارس دارای طبیعتی ضد استعماری و مدافع خلیج و حقوق ساکنین آن است ، همانگونه که بناچار هر سیاست استعماری و بیگانه و متجاوز بخلیج فارس دارای طبیعت ضد ایرانی و متعارض به موجودیت و حاکمیت ملت ایران در پهنه خلیج میباشد .

مرکز توسعه صادرات

اوپیک مبارزه ضد استعماری خود را گسترش میدهد

تولید کالا های صنعتی گشته و ها را در بازار های بین المللی بدین ترتیب شانس رقابت این کالا بقیه در صفحه ۳



طرح تشکیل مرکز توسعه صادرات اخیراً تهیه شده است و هم اکنون مورد مطالعه و بررسی مقامات وزارت اقتصاد میباشد . به موجب این طرح قرار است از واردات مواد اولیه ماشین آلات و تجهیزات تولیدی تا حدود پنج درصد عوارض برای تشویق صادرات اخذ گردد .

ماده پنج طرح مذکور میگوید ، مرکز توسعه صادرات ایران مجاز است بدون رعایت آئین نامه معاملات دولتی و قانون محاسبات عمومی ، طبق آئین نامه مالی که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید در آمدهای موضوع ماده چهار و همچنین هر گونه درآمد دیگری که ناشی از عملیات مرکز باشد به مصرف پرداخت جابزه صدور بصادرات فرآورده های صنعتی کشور و بازاریابی و تبلیغ برای کالاهای صادراتی و هر گونه اقدام دیگری که برای توسعه صادرات کشور مفید تشخیص داده شود بپردازد .

مسئله فوق از د نظر قابل توجه است . اول اینک - دریافت عوارض از مواد اولیه ، ماشین آلات و تجهیزات صنعتی بخودی خود باعث بالا رفتن هزینه

از : دکتر عباس روحبخش

حقیقت تلخ تصفیه چین

((مائو)) فریاد تهاجم بر میگشدد ، اما دیگران نمیخواهند بشنوند !

انجام آزمایشهای هسته ای در حقیقت زنگ خطری است که در آسیا طنین می افکند و وطن این ناقوس شوم بیش از هر کس باید لرزه بر اندام نخستین قربانیان یورش غلطی بیافکند که از سوی مهاجمی مجهز به نیروی اتم و بقیه در صفحه ۴

هوادران خاک و خون اعلام میکنند ،

تاریخ ایران بزرگ طلوع

اندیشه پان ایرانیسم را در بر گهای زرین خود به ملت خواهد رسانید

از آلمان غربی

آقای پرویز کاشانیان از کارلروه در آلمان غربی مینویسد : نژاد امروائی ما در مسیر زندگی تاریخی خود فرازهای بسیار دیده و از نشیبهای بسیار گذشته ، توفانهای هولناکی ربه پشت سر گذاشته که دیگران در آن نیست و برای همیشه خاموش گردیده اند .

همیشه در زمانهای تاریک زندگی ملت ایران مردانی بزرگ از این نیاخاک مقدس برخاسته اند ، و این ملت فرهنگ آفرین را بار دیگر بسوی بزرگی و زندگی سرافراز رها کرده اند . تاریخ ایران بزرگ ، طلوع اندیشه پان ایرانیسم را نیز آغاز فصلی نوین و فرازی بزرگ در بزگهای زرین خود به ثبت خواهد رسانید . بقیه در صفحه ۲

صدای پیش مرغان کرد

۱ - پیش مرگها بمنطقه اسکان در استان اربیل حمله بردند و يك افسر عراقی را کشته و دو جاش را اسیر کردند علاوه ۳ تفنگ و يك مسلسل را بغنیمت گرفتند .

۲ - کشاورزی در نزدیکی شهرستان کویسنجو با خنجر به دو پلیس مسلح حمله برد و هر دو آنها را اسیر کرده و بنیروهای آزادی بخشی کردستان آنسوی مرز تحویل نمود . (آفرین بر این کشاورز کرد) .

بقیه در صفحه ۴

۲۰۰۲مـالف
۶/۳۷۹۸
۴۵/۳/۱۲

آگهی رسمی

طبق نامه مورخه ۲۸/۲/۴۵ پیوست صورت جلسه مورخه ۱۸/۲/۴۵ مجمع شرکت کاغش کت تجارتی سامکو با مسئولیت محدود آقای ابراهیم مبصر یکمیلیون ریال سهم الشرکه خود را از صندوق شرکت دریافت و از شرکت خارج گردید آقای منوچهر مبصر ضمن استعفاء از سمت مدیریت عامل پانصد هزار ریال از سهم الشرکه خود را از صندوق شرکت دریافت داشته است آقای حسین قلی زاده دارنده شناسنامه شماره ۳۲۲۹۰ از بخش پنج تبریز فرزندی ملی با پرداخت مبلغ یکمیلیون و پانصد هزار ریال وارد شرکت گردیده آقای حسین قلی زاده با اختیارات مصرحه در اساننامه و شر کتنامه با حق امضاء کلیه اوراق و چک و سفته و پروات و قراردادهای بسمت مدیر عامل شرکت برای مدت نامحدود تعیین گردید و کلیه سرمایه در اختیار مشارالیه قرار گرفته است و محل شرکت به ابتدای خیابان فردوسی پاساژ طبس طبقه سوم شماره یک منتقل گردید . مراتب طبق ماده ۲۰۰ قانون تجارت ثبت و برای اطلاع عموم آگهی میشود

از طرف رئیس اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی . مهدی نراقی

آ-۳۲۲

۲۰۰۰ رم الف
۶۳۹۰۶
۴۵۳/۱۲

آگهی تأسیس شرکت وارداتی کیافر با مسئولیت محدود

نظر بماده ۱۹۷ قانون تجارت و ماده ۶ آئین نامه همان قانون خلاصه شرکت نامه و اساننامه شرکت وارداتی کیافر با مسئولیت محدود که در تاریخ دهم خردادماه ۱۳۴۵ تحت شماره ۱۰۶۹۸ در این اداره به ثبت رسیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی کشور و یکی از جراید کثیرالانتشار یومیه تهران آگهی میشود

۱- نام و نوع شرکت شرکت وارداتی کیافر با مسئولیت محدود .

۲- موضوع شرکت واردات

۳- مرکز اصلی شرکت بازار سرای جامع شماره چهل و دو .

۴- مدت شرکت از تاریخ اول خردادماه چهل و پنج بمدت نامحدود .

۵- تابعیت شرکت ایرانی.

۶- سرمایه شرکت . سیصد هزار ریال نقدی تمام پرداخت.

۷- موسیس شرکت. آقایان مراد نجمو- منصور نوریان- داود داودیان.

۸- مدیر یا مدیران شرکت و دارندگان حق امضاء آقای داود داودیان مدیر عامل با اتفاق یکی از شرکا با مهر شرکت حق امضاء دارند .

۹- میزان کس سرمایه ذخیره از سود ویژه صدیده.

۱۰- انحلال شرکت طبق ماده ۱۱۴ قانون تجارت است .

۱- انحلال شرکت طبق ماده ۱۱۴ قانون تجارت است .

اول خردادماه چهل و پنج بمدت نامحدود .

۵- تابعیت شرکت ایرانی.

۶- سرمایه شرکت . سیصد هزار ریال نقدی تمام پرداخت.

۷- موسیس شرکت. آقایان مراد نجمو- منصور نوریان- داود داودیان.

۸- مدیر یا مدیران شرکت و دارندگان حق امضاء آقای داود داودیان مدیر عامل با اتفاق یکی از شرکا با مهر شرکت حق امضاء دارند .

۹- میزان کس سرمایه ذخیره از سود ویژه صدیده.

۱۰- انحلال شرکت طبق ماده ۱۱۴ قانون تجارت است .

از طرف رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی مهدی نراقی

آ-۳۱۱

۱۹۹۴م الف
۶۳۹۴۲
۴۵۳/۱۲

آگهی رسمی

طبق نامه مورخه ۱۹/۲/۴۵ پیوست صورت جلسه مورخه ۱۰/۲/۴۵ شرکت سهامی آرزو مان آقای میانس میناسکانیان برای مدت یک سال بسمت بازرسان انتخاب گردید .

رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی – مهدی نراقی

آ-۳۰۰

۱۹۶۷م الف

آگهی

آقای سید محمد رضا جلالی نائینی بو کالت از بانك ملی ایران دادخواستی بخواسته مبلغ یانزده هزار دینال وجه یک فقره سفته واخواست شده بطرفیت آقای توفیق تفنگچیان و شرکت سهامی اتوایران بدادگاههای بخش تهران تقدیم داشته که بکلاسه ۴۴۱ر۴۲۷۹۹ بشعبه اول ارجاع و چون خواندگان درنشانی معینه شناخته نگردیده اند مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا آقایان توفیق تفنگچیان و کارمان عطائی مدبر تصفیه شرکت منحلّه اتوایران ظرف سه ماه از تاریخ آخرین آگهی جهت دریافت نسخ دادخواست ومدارك باین دفتر مراجعه و درروز ۱۰/۴/۴۵ ساعت ۸-^۱/_۴ صبح جهت رسیدگی در شعبه اول دادگاه بخش تهران حاضر شوند در صورت احتیاج باابلاغ بعدی یکنوبت آگهی ومدت آن ده روز است.

مدیر دفتر دادگاههای بخش تهران – کاغذی

آ-۳۶۰

۱۹۲۷م الف

شماره ۲۴۵۱۸

تاریخ ۴۵/۳/۱۰

آگهی مناقصه

موسسه انحصار دخانیات ایران چهار قلم سوم مورد احتیاج خود را سی انداف خرمشهر یا بندر شاهپور از طریق مناقصه خریداری مینماید داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند پیشنهادات صریح و قطعی خود را با اطلاع ورعایت کامل مشخصات شرایط ومقاد طرح قیمتی که از اداره معاملات خارجی این موسسه دریافت میدارند با توجه باینکه مبلغ دویست و پنجاه هزار ریال اسناد خزانه بعنوان سپرده شرکت در مناقصه میبایستی تسلیم نمایند تا آخر وقت اداری روز ۵/۶/۴۵ مطابق با ۲۷ اوت ۱۹۶۶ (۶۶/۸/۲۷) بداداره دفتر موسسه انحصار دخانیات ایران تسلیم نمایند پیشنهادات رسیده در ساعت ۱۰ صبح روز ۶/۶/۴۵ در کمیسیون مناقصه باز وقرائت خواهد شد .

حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و شرکت در مناقصه بمنزله قبولی کلیه شرایط مناقصه بوده و پرداخت حق الدرج آگهی مناقصه در روزنامه بمعهده برنده مناقصه خواهد بود .

۲-۱

از طرف مدیر کل موسسه انحصار دخانیات ایران

۱۹۷۷م الف

بتاریخ ۳۰/۴/۴۴ پرونده کلاسه ۴۳/۲۱۴۳ مرجع رسیدگی شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان تهران بریاست آقای ابوالحسن ستوده دادنامه ۳۲۲-۴۴/۶/۱۰۳۱ خواهان بانك ملی ایران با وکالت آقای مهدی امیر سرداری ساکن تهران خیابان شاهرضا روبروی لاله زار نود و فقر و کالت خواندگان ۱- شرکت سهامی بارش ۲- شرکت سهامی کارخانجات اتوبوس سازی ایران وسیله آگهی خواسته مبلغ یکصد هزار دینال وخسارات .

رای دادگاه – نظر بشرح مندرج در دوبرگ سفته های مستند دعوی خواننده اولی جمعا تمهید پرداخت مبلغ خواسته را بحواله کرد خواننده ثانی نموده است که سفته های مذکور باظهر نویسی بانك خواهان برگذارشده وجهت عدم تادیه در موعد قانونی سفته های مزبور و واخواست و سپس منجر بطرح و اقامه دعوی گردیده است و نظر باینکه خواندگان با ابلاغ قانونی وقت واستحضار از دعوی خواهان هیچگونه دفاعی از دعوی مطروحه ننموده اند ونسبت بمستندات دعوی هم تعرض وتکذیبی بعمل نیامده لذا دعوی خواهان مصون از دفعات و تعرض وتکذیب و محمول بصحت تشخیص میشود وبمقتضای مفاد دوقفره سفته های فوقالتوصیف خواندگان متضامنا بپرداخت مبلغ یکصد هزار دینال بابت اصل خواسته ومبلغ ۱۰۰۸ دینال بابت هزینه واخواست ومبلغ ۱۰۶۲ دینال بابت هزینه دادر سسی و مبلغ ۲۷۵۰ دینال بابت حق الوکاله این مرحله ومبلغ ۱۴۱۸۳ دینال بابت زیان دیر کرد از تاریخ واخواست تا بارمروژ که محکوم میشوند که در حق خواهان پرداخت نمایند و زیان دیر کرد از این تاریخ تا روز وصول بقرار ۱۲٪ در سال تمیین و احتساب میشود که دایره اجراء مکلف است حین الوصول از خواندگان اخذ و بخواهان پرداخت نماید این رای تضامنی در صورت پرداخت محکوم به از ناحیه احدا ز خواندگان ذمه دیگری در قبال خواهان بری خواهد بود مدلول رای غیابی و قابل واخواهی و سپس پژوهش پذیر است .

رئیس شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان تهران – ستوده امضاء و مهر رونوشت دادنامه بشرح بالا جهت ابلاغ خوانندگان آگهی میشود تا چنانچه تقاضای رسیدگی واخواهی یا پژوهش داشته باشند در موعد قانونی اقدام و هر گاه در اثر قلعیت دادنامه اجرائیه صادر شود فقط يك نوبت آگهی ودیگر جهت تعقیب عملیات اجرائی هیچگونه ابلاغی بعمل نخواهد آمد .

مدیر دفتر شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان تهران- امیر حجازی

آ-۳۴۰

۱۹۷۹م الف

بتاریخ ۹۳/۴/۴۴ پروت آگهی مندرج در شماره ۵۸۷۰ الی ۵۸۷۲-۳۱/۴/۴۴ روزنامه رسمی و شماره ۱۴۷۴ الی ۱۴۷۶ مورخه ۲۳/۴/۴۴ روزنامه پینام امروز با آقای مصطفی سبیری مجهول المکان ابلاغ میگردد که پرونده کلاسه ۴۳/۱۰۸۵۴۳ موضوع دعوی محمود شفتی بطرفیت نامبرده منتهی بصورت دادنامه ۴۳۴-۶/۴/۴۴ دایر به محکومیت مشارالیه بپرداخت مبلغ پنجاه هزار دینال بابت اصل خواسته ومبلغ ۳۰۵۳ دینال هزینه دادرسی و نشر آگهی ومبلغ ۳۸۶۶ دینال خسارت تاخیر تادیه تا روز ۴/۲/۴۴ و همچنین زیان دیر کرد بماخذ ۱۲٪ در سال تا تاریخ وصول گردیده و رای صادره غیابی وقابل واخواهی و پژوهشی است .

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه بخش تهران . کلاردشتی

آ-۳۵۰

تک و خون

دفاع از زبان پارسی

است زیرا اولادانشجویان را قادر خواهد ساخت که هم بسیار ایران را در خدمت به توسعه علم و فرهنگ جهان دریابند .

ثانیا مایه بصیرتی در آنان فراهم سازد که بتوانند نقشی را که کشورهای غربی در توسعه حال وآینده ایران میتوانند داشته باشند ، دریابند .

در رویه های تعلیماتی کنونی ، بسیاری از دانشجویان ورزیده ایرانی ، خواه آنانکه در ایران ویا در خارج تحصیل کرده اند ، قادر نیستند که وسیله تفاهم مطمئنی بین فرهنگ خویش واز آن مغرب زمین پدید آورند و در نتیجه خود را از لحاظ فرهنگی از دست رفته احساس می کنند .

با توسعه يك هر كن فعال آكادميك دوزبانه یعنی دانشگاه پهلوی انتظار می رود که گروه رهبری کننده جوانی بوجود آیند که بتوانند از بهترین آثار دو فرهنگ ترکیب موثری خلق نمایند. از آنجا که دانشگاه پهلوی ، بصورت يك مرکز منطقه ای کار خواهد کرد و دانشجویان دوره های دانشگاهی و تخصصی غیر فارسی زبان را از تمام این منطقه « مثلا خاورمیانه ، شرق آفریقا آسیای غربی) خواهد پذیرفت ، از این رو برنامه انگلیسی این دانشگاه بتدریج گسترش خواهد یافت .

بطوریکه ملاحظه میکنید برای دانشگاه پهلوی دو زبان رسمی در نظر گرفته شده است و درسطور بالا گردانندگان دانشگاه پهلوی دلایل خود را برای انتخاب دوزبان شرح داده اند ولی بطوری که از همان شرح برمیآید چون زبان فارسی تنها برای تشریح و توضیح سوابق فرهنگی ایران ومباحث تاریخی بکار میرود و چگون اکثر برنامه های دانشگاهی شامل علوم جاری و تکنولوژی است که بزبان انگلیسی تدریس میشود و نیز چون دریایان بشرح بالا اشاره شده است که **برنامه انگلیسی بتدریج گسترش خواهد یافت** از هم اکنون میتوان قبول کرد که در این دانشگاه زبان فارسی بتدریج مقهور زبان انگلیسی میشود و عقب می نشیند ،

رقابت زبان انگلیسی با زبان فارسی در مشرق زمین با تاریخ استعمار امپراتوری انگلیس هم زمان است و در خطه وسیعی از قاره آسیا وبویژه سرزمین هند که امروزه در آن زبان انگلیسی رواج فراوان دارد بیش از این قلمرو زبان فارسی میبوده است و بتدریج که از قدرت سیاسی ایران کاسته گشت زبان شیرین پارسی نیز از قلمرو تاریخی خود عقب نشست و جای خود را بزبان انگلیسی داد، آیاجای شکفتی و آندوه بسیار نیست که اینک در دانشگاه پهلوی شیراز ایندو زبان بهمعارضه و رقابت برخاسته اند، آن هم رقابتی که از هم اکنون آثار عقب نشینی وشکست زبان فارسی در آن آشکار است؟ دانشگاه پهلوی شیراز از آن جهت که نام دودمان پهلوی را بر خود دارد ، حقا باید بصورت مرکز نیرومندی برای احیاء فرهنگ ایران زمین شناخته شود . نام پهلوی بی هیچ شک صرف نظر از آنکه نام خانوادگی يك سلسله از شاهنشاهان ایران زمین است خود نشانه ایست از پیوندیکه ملت ایران با تاریخ پیشین خود وبویژه با روزگاران پیش از هزار و سیصد سال اخیر برقرار ساخته است و بی هیچ شک باید این نام بر هر دستگای گذارده شود باخود اراده آئین پایه گذاران این دودمان و آفرینندگان این نام را بدان سازمان انتقال دهد و دریغ است دانشگاهی که نام پهلوی را بر خود دارد و نشان خود را از کنش های تخت جمشید بر گزیده است بصورت قانونی درآید که در آن وسائل غلبه زبان انگلیسی را بر زبان فارسی پدید آوردند .

از سوی دیگر باز آندوه آور است که این رقابت در شهر شیراز صورت پذیرد زیرا شیراز را باید پایتخت شهریاران سخن پارسی دانست اگر زمانی در پنجاب یا لاهور ویا دهلی ، سخنوران پارسی گوی میدان را در برابر بیرق داران استعمار خالی میکردند گرچه بسیار تأثر آور میبود ولی باز محملی داشت اما اکنون در سرزمین ما ، در قلمرو زبان پارسی ، سخن از جنگ و هجوم زبان انگلیسی بمیان آمده است .

اگر در جهان تاریخ میخواستند آزمایشگاهی پدید آورند تا در آن اثر انتخاب يك زبان غیر ملی را بمنوان زبان رایج بین المللی بیازمایند ، هیچ کشوری را بهتر از ایران نمیتوانستند پیدا کنند .

پس از ساسانیان ، برای قرنهای طولانی در مراکز علمی ایران زبان عربی ، از طرف ایرانیان ، بمنوان زبان علمی انتخاب شد و امروز که گردش ابرام اعتبار علمی زبان عربی را از میان برده است از کوششهای گذشته تنها آن دسته از آثار که بزبان پارسی برگردانده شده است وسیله ارتباط ما بانسلهای گذشته میباشند و اکنون باید بر همت مردان روشن بین گذشته آفرین گوئیم که فریب عنوان دهان پر کن زبان علمی بین المللی را نخوردند و آثار خود را بزبان ملی نگاشتند و انتشار دادند .

اگر پنجاه سال پیش قرار بود مراکز علمی ایران را دو زبانه اعلام کنند بیشک زبان فرانسه را برگزیدندند و اگر چنین کرده بودند امروز صاحبمشتی دانشگاه های فرانسه زبان متروک بودیم و اگر آقاری از نویسندگان ایران بزبان فرانسه داشتیم ، همه جز آنان که بزبان فارسی ترجمه گشته بود ، از دسترس مردم خارج میبود .

در جهان پرتلاش امروز نیز نمیتوان انتظار داشت که ملت های غیر انگلیسی زبان برای همیشه محکوم بتحمل رواج انگلیسی باشند وبیشک درآینده ملت های بیشتر بعلم دست خواهند داشت که زبان ملی نیرومندتری داشته باشند و بتوانند از گلهای علم در هر کجا که شکوفاست دست چین کنند و بزبان مادری خود برگردانند و با کثرت افراد ملت خود تعلیم دهند .

اینک که دانشگاه پهلوی با امیدهای بسیاری بسوی آینده پیش می رود جای آن دارد تا هر چه زودتر برای استقرار هر چه بیشتر زبان پارسی بعنوان زبان رسمی دانشگاهی کوشش کند و البته این سیاست هر گز منافی آن نیست که دانشجویان این دانشگاه بزبان های زنده دنیا نیز تسلط داشته باشند

چاپ بورس

خیابان سوم اسفند -خیابان مباشرت کوی بخت-شماره ۷

تلفن ۳۳۹۵۰۰

در شهرستانهای

بروجرد

● **چرا باید يك شهر ۸۰ هزار نفری فقط ۳ بز شك داشته باشد؟**

عده ای از اهالی بروجرد بدفتی نمایندگی این روزنامه مراجعه کرده و تقاضا کردند که نماینده و خبرنگار این روزنامه سری بمطب یکی از سه نفر آقایان اطیاع این شهر بزند .

هنوز ساعت ۵ بعد از ظهر نشده بود که تعداد مراجعین به ۱۰۱ نفر رسیده بود ، و معلوم هم نیست که این آقای دکتر در چند رشته تخصص دارد ، زیرا در میان این ۱۰۱ نفر همه نوع مریض بچشم میخورد.

با این وضع نا متجانر گاه بگاه نین بهداری یکی از آقایان اطباء را بشهر دیگری منتقل مینماید. اهالی بروجرد از مقامات مر بوطه تقاضای رسیدگی فوری دارند . ما نیز توجه مقامات مسئول را بدین امر جلب مینمایم.

اهواز

● اخیراً عده ای از کارکنان شرکت نفت اهواز بدفتی روزنامه مراجعه کرده و از انتصاب آقای مصدقی بریاست شرکت ملی نفت ایران در حوزه قرارداد اظهار خوشوقتی نموده و در ضمن خواسته های خود را جهت توجه بیشتر آقای مصدقی در اختیار نماینده خاك و خون گذارند

۱- رفع هر گونه تبعیض از کارکنان اعم از کارگران و کارمندان

۲- رسیدگی بوضع واگذاری خانه های مسکونی و اجرای عدالت کامل در امر واگذاری خانه های مسکونی

۳- تأسیس دبستان ابتدائی جهت فرزندان کارکنان ساکن کوی کارون

۴- ساختن استخر شنا برای کارگران با در نظر گرفتن گرمای طاقت فرمای تابستان خوزستان .

تاریخ ایران بزرگ طلوع

آرمان پان ایران نسیم که متکی بر ناسیونالیسم تاریخی و اجتماعی ملت ایران است ، راه زندگی شایسته ملت ایران را نشان داده و ما را بسوی وظایف تاریخی و ملی خود هدایت میکند، زندگی با آزادی و شرافت ، آگاهی بخطرانی که زندگی ملی ما را تهدید میکند ، شناخت دوست و دشمن، آگاهی به جایگاه شایسته ملت ایران در جهان ملتها ، فقط فقط در سایه شناخت و پیروی از ناسیونالیسم ملت ایران ممکن است .

در این گاه پر مخاطره تاریخ ایران، **خاك و خون** برآستی چون عقابی در آسمان ایران زمین بپرواز درآمده تا ملت بزرگ ایران را بر اصول ناسیونالیسم آگاه ساخته و اورا بسوی قله های عظمت و پیروزی راهنمون گردد . بر هر حزب پان ایرانیست درود باد . پاینده ایران

آقای م- هیوا از سردشت کردستان طی نامه ای که فرستاده اند مینویسند ،

گردانندگان محترم روزنامه وزین خاك و خون ، زبان گویای ایران پرستان (حزب پان ایرانیست) سلام بنعموم کارکنان و گردانندگان این روزنامه مقدس وجناب آقای محسن یز شکپوریکانه مدافع رزمندگان کرد ایرانی نژاد .

پارسال که هنوز این روزنامه مقدس منتشر نشده بود، روزنامه های کیهان و اطلاعات و حتی تمام مطبوعات کشور از کردان آن سوی مرز که در راه افتخار و شرف ایران و ایرانی میکوشند ، بنام عشایر شمال عراق یاد می کردند ولیکن با انتشار خاك و خون طلسم تنگین عشایر عراق شکسته شد و دیگر نیافید که این روزنامه ، برجسته ترین جریده کشور گردید، و اکنون همه از خاك و خون بعنوان گرمای ترین ومبارزترین روزنامه ایران یاد میکنند . در ضمن خواهشمندم که صدای اعتراض مرا بگوش حکام خود کاه عراق برسانید که با اسلحه های شوروی که خود را حاکی ملت های ضعیف! میداند، به قتل عام سه ملیون کرد ایرانی نژاد پر داخته است . به برادران ازجان گذشته کردستان آن سوی مرز نویسد دید که روزی روزی نزدیک است . دشمن روحیه خود را باخته است و این لشکرها هم که دولت عراق بدان میبالد فقط سایه لشکر است . پیروز باد پیوند ناسگستنی حزب پرافتخار پان ایرانیست و پیشمرگان دلیر آری نژاد . زنده و جاوید باد قهرمانان جبهه های نبرد کردستان آن سوی مرز که در راه بزرگی و تحقق آرمان شاهنشاهی ایران سینه خود را هدف گلوله های عمال حکومت زاده استعمار قی ار داده اند. بر فراز باد پرچم گانگی کلیه نیر ه های ایرانی نژاد. **از تهران**

آقای ا- نزوی مینویسند ،

گردانندگان محترم روزنامه خاك و خون سلام گرم و آتشین مرا بپذیرید. از مدتها پیش نام روزنامه خاك و خون را شنیده بودم ولیکن متأسفانه موفق بمطالعه آن نشده بودم . چندی پیش يك شماره آن را بدقت خواندم و از آن بعد روزهای یکشنبه وشنبه وپنجشنبه برایم روزیست بر عزیز و گرمای ، چون بزرگترین خواسته هایم را در مقالات پر شور و احساس خاك و خون منعکس می بینسم . از خدای بزرگ خواهانم که شما وهمه فرزندان برومند میهن عزیز را در این مبارزه مقدس یاری نماید .

پیر عمر ان-سفر

آقای محمدامین جوانمردی طلبه علوم دینی قریه پیر عمران مینویسند ؛

مدیر محترم و رهبر ارزنده و شرافتمند حزب برومند پان ایرانیست. با درود آتشین نامه خود را آغاز میکنم و باریکتر از شما و کلیه سربازان حزب پان ایرانیست و همی زمان روزنامه حق گوی خاك و خون سیاستگزاری مینمایم . روزنامه خاك و خون همیشه مشت پولادین خود را برده ان متجاوزین و استعمارگران کوبیده و ملت ایران را براه پاسداری میهن خود تشویق مینماید و سربازان برومند حزب پان ایرانیست راه را بر هر متجاوزی بسته اند. من بدینوسیله تنفر کامل خود را از حکومت زاده استعمار اعلام داشته و آماده است تا دوشادوش سربازان دلیر حزب پان ایرانیست آخرین قطره خون خود را در راه پاسداری نیا خاك و دفاع از برادران کرد آری نژاد نثار کنم . چو ایران نباشد تن من مباد بدین مرز و بوم زنده بکتن مباد در خاتمه تشبیهائی بیدریغ خود را از روزنامه وزین خاك و خون « گویای حقیقت » و حزب پان ایرانیست اعلام میدارم. خاك و خون ؛ مادست دوستی شمارا بمشغاریم. بوسیله روزنامه با دفتی مر کزی حزب پان ایرانیست تماس بگیرید.

صد گونه تماشا

یکباره بگوئید :
تمام هفته تعطیل است :

صحنه دوم - میدانید که بازار «تن» یا «طرح» یا «پیشنهاد» غریب و عجیب تعطیلات دروزه در هفته، بسی گرم و داغ است و بخصوص در خوارز و نامه ها که از عنوان «روزنامه‌های خبری»!

برخور دارند ، سخت بدن آتش دامن میزنند، در این میان «**خاک و خون**» و گردانندگانش سخت بمخالفت با چنین طرحی برخاستند ، نظر آنان بر این است که ملت ایران بسی از سرمزمل مقصود بدور است ، ما برای رسیدن بجایگاه شایسته خود ، نیازمند بکار و کوشش مدام هستیم و برای انجام این جهاد ملی باید همه مردم بکار بیشتر و کوشش مستمر دعوت گردند، دریغ است که در چنین شرایطی سخن از تعطیلات بیشتر را بقولی **تنبلی زیاد تر** بمیان آید- باری ، ضمن سیر و گشتی که در گلزار مطبوعات داشتم، درنامه **گرامی روز** نین چاپ برشت ، مطلبی که تماشای او موثر در این مقال با قسم که روزنامه را گرامی **نامه** باشما نقل نموده بود- هر چند نقل تماشای نسبت بمطلب مزبور **قل از نقل** میگذرد، اما باز مرا دریغ آمد که شما را به تماشا ای این نوشته گیرا و مستدل دل انگیز- بزم- اکنون این شما و اینهم مطلبی که نقل از نابه شده است.

«روزنامه‌های «خبرساز» مژده داده‌اند که کارمندان دولت همه از دو روز تعطیل در هفته استقبال کرده‌اند. راستی که خیلی مرحمت فرموده‌اند، مثل اینکه انتظار میرفت همه دسته جمعی آن‌را رد کنند و بگویند چه حرف‌ها! ما اصلاً روزهای جمعه هم می‌خواهیم کار کنیم... دو روز تعطیل که چیزی نیست، بگوئید سه روز تعطیل، در هفته بگوئید چهار روز، بگوئید اصلاً تمام هفته، آنوقت به بیمید استقبال یعنی چه؟! به‌عنوان نمونه قول می‌دهم آقای نخست‌وزیر رابری سرشان بگذارند و یک ماه تمام حلاً حلاً کنند. کارمند دولت هم اکنون که دو روز در هفته تعطیل رسمی و غیر رسمی، در ایام تعطیل در هفته تراشیده است.

روزهای جمعه که امر خداست، تعطیلات رسمی هم که امر بندگان خداست و اگر بین امر خدا و امر بندگان خدا نیز شکافی موجود باشد، کدام بنده خدا نیست که طاعت بپاورد و آن را بر نکند؟! اگر همه این ها را گل هم بکنند، کارمند دولت بر رویهم بیش از صد و پنجاه روز یعنی پنج ماه تمام استراحت دارد و این تازه غی از یکماه مرخصی سالیانه است .. و نیز یکی دو ماهی که هر کارمندی حقدارد . می‌بشود ... و اگر زن باشد نزدیک سه ماه از مقررات خاص وضع حمل استفاده کند .

و اگر آنها را هم حساب کنیم ، کارمند دولت ، بیشتر از سالی چهار پنج ماه ، پست میز اداره اش پیدا نمیشود !

روزگاری میکنند ما که از قافله تمدن غقیم ، باید شب و روز چهار اسم به ستاییم تا با آنها برسیم . . معلوم می شود ، حال رسیده ایم و دیگر احتیاجی به بیشتر از این کار کردن نداریم . کاری که در روز هم اکنون بزمحت سه چهار ساعت میرسد . . هر که میگوید نه من حاضر دستش را بگیرم در ادوات دولتی بگردانم . تا معنی کار کردن را درست نگاه دارم دولتی ایران برای العین نشانم بدهم . این من و این ما !»

صحنه سوم - یکی از گرفتاریهای روزمره مردم عدم تلفیق و تطبیق حوزه‌های کارسازمانهای گوناگون اجتماعی و اداری در اطراف واکتاف کشور است - اغلب شهر دو نیمه .

حوزه صلاحیت سازمانهای کشوری با سازمانهای قضائی تطبیق نمی‌کند و نیز چه بسیار که حوزه صلاحیت این هردو سازمان با سازمانهای انتظامی تطبیق نمی‌کند - دریک جا می‌گردارائی درفان بخش قرار دارد و درحالی‌که فی‌المثل مرکز آمار و ثبت آن حوزه درمحل دیگر ، و ازاین قبیل نابسامانی که مشکلات عدیده درزندگی مردم بوجود می‌آورد بسیار است ، اما اکنون نشنیده بودیم که از نظر سازمانهای انتظامی يك شهر بدو نیمه شود - **نیمه از آن درحوزه شهربانی قرار داشته باشد و نیمه دیگر درحوزه ژاندارمری** - شاهام شاید مثل من باورنکنید ، اما اکنون شما رابه قشاشی صحنه شهر دو نیمه ، به نقل از شماره ۹۰۰ روزنامه گرامی **آفتاب شرق** ، چاپ شهید میبم ، - ناشد که مقامات مسئول باین وضع پایان دهند و معلوم کنند کداميك از این دو سازمان با یادامورم یوط شهرستان کنارآید و اداره کنند .

مرکز شهرستان گناباد بیش از چهارده هزار جمعیت دارد فقط ضمیمه شهر که جزو شهرستان است و از نظر شهرداری و تشکیلات ضمیمه شهر میباشند زیر نظر ژاندارمری اداره می شود در حالیکه در گذشته زیر نظر اداره شهر بانی اداره میشده

از مقامات مربوطه جدا می‌خواهیم باین موضوع توجه کنند و حاضر نشوند نصف شهری جزء شهر، نان و نصف دیگر ضمیمه‌اش اندازم می‌باشد...

هم فالو
هم تماشا

صحنه آخر - راستی مگر تماشاگر باید از همه نعمات روزگار محروم باشد و چون قلم پرورش افتقاد و بررسی اوضاع و احوال زمانه بروی کاغذ میآورد ، حق ندارد گاهی دماغی ترکند و با خوانندگان گرامی را بتماشای زیباییها و آثاریکه ملهم از این زیباییهاست ببرد ؟

بسی شک میگوید : « تماشاگر ». سخن کوتاه کن و آنچه را که میخواهی بگوئی در میان گذار - شمار خوب ، من نیز امثال اهر میکنم - داستان از این قرار است که در سیاحت و گشت و



گذارد روزنامه‌ها، نظرم برعکسی
دل انگیز از زیبایی فتنه انگیز
افتاد که روزنامه گرامی «فریاد
خوَرستان» آن تصویر را کنار
غزلی بس شیواوارزنده از حافظ
شیراز گذارده بود - دیدم که
چه حسن انتخابی است و چه تطبیق
جالبی از شعر و تصویر، با خود
گفتم دریغ باشد که از این سیر و
گشت، ره آوری چنین دل انگیز
پیش کش خوانندگان نسازم ؟
از شما چه پنهان ، یارادر
يك كفش كردم و به جناب سردبیر
گفتم ، حاشا و كلا كه بايد این
تصویر بکنار همان غزل چاپ
کرد - هر چند جناب سردبیر
ابتدا بمخالفت پرداخت ، اما
خوب دانستم که در ته دل از
این صحنه صد گونه تماشا بسی
رضایت خاطر دارد - اکنون این
شما و این تصویر گدائی و نیز غزل
شیوا و دل انگیز حافظ :

ای همه کار تو مطبوع و همه جای تو خوش
همچو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف
هم گستان خیال ز تو پر نقش و نگار
شیوه ناز تو شیرین خط و خال تو ملیح
پیش چشم تو بمیرم که بدان بیماری
در ره عشق که از سیل فنا نیست گذار

در بیابان طلب گر چه زهر سو خطرست
میرود «حافظ» بیدل بتولای تو خوش

پرسیرویدادها

کمتری میکند. حال برای این که بتوانیم با اینگونه کالاها گرانتر تولید شده در بازار های جهانی با کالاها مشابها رقابت کنیم مجبوریم که جواز سند صادرانی سنگینی بپردازیم. زیرا خاسته جواز صادرانی در بعضی از مواقع میتواند کاملا

ضروری باشد، ولیکن قراردادان صادرات کشور بر پایه سیاست جایزه صادراتی دارای خطرات بیشماری است. در این صورت ممکن است که در خارج از کشور بازارهای بیست آورده، در حالیکه این بازارها طبیعی نبوده و فقط در پناه جواز صادراتی قابل نگهداری میباشند. ممکن است پس از چندی به این نتیجه برسیم که نه فقط درאת پرداخت جواز صادراتی موفق بایجاد صنایع قابل رقابت نشده ایم، بلکه دریافت جایزه صادراتی دکان درآمدی برای عدهای شده است.

در این مورد نتیجه‌ای که از تشویق صدور سیمان گرفته شده است قابل توجه می‌باشد. ما با پرداخت جواز صادرای سنگین دست بصورت کالائی زدیم که بهیچ وجه بصورت طبیعی در خارج از مرزهای کشور قابل رقابت نیست و بمحض جایزه صدور از بین برد بازارهای که تصنعی است، آمده‌اند از دست خواهند رفت، در حالیکه با پیش گرفتن سیاستها

و تسهیلاتی که باعث پائین آوردن هزینه تولید میشود، میتوانیم دارای صنایع صادراتی باشیم که تقریباً بطور طبیعی و با حمایت کمی میتوانند در بازارهای جهانی بازار مناسبی برای خود بدست آورند.

ما در مقالات گذشته اشاره کردیم که چگونه نه کارتل ها و تراسها های نفتی، این چهارهای جدید استعمار، با در دست گرفتن «تعیین سهم» امپایلیت خود را بر کشور های تولید کننده نفت تحمیل می نمودند.

مسئله دوم که شایان توجه است و در چند شماره گذشته هم بدان اشاره شده اینست که مسئله صادرات ایران و راه بافتن به بازارهای جهانی را فقط بوسیله پرداخت جواز صادراتی نمیتوان حل کرد این مسئله ایست که در سطح بالاتری باید مطرح و حل گردد. هم اکنون بنا بجهت بایشمارهای که نتیجه ضعف دیپلماسی و ناآگاهی وزارت امور خارجه میباشد درهای بازارهای شیخ نشین های خلیج فارس را بر روی کالای ایرانی بسته اند. مثلاً در کویت که بزرگترین بازار شیخ نشین خلیج فارس است

بر اساس چنین سیاست
استعماری و فن‌گینی بود که میبینیم
هر گاه ملتی برای استیفای حقوق
تاراج شده خود بهپامیخواست،
یکباره احتیاجات بازارهای
جهانی به نفت حاصله از آن کشور
کم می‌شد و در مقابل احتیاجات
همان بازارها بهمدان ماده از
کشور دیگری افزایش مییافت،
قطب‌نامهای یازدهمین کنفرانس
اوپک از این نظر که این برنده‌ترین
حربه استعمار را از افروزی و بیرون
آورده است بسی شایان توجه و
تقدیر است. کشورهای عضو با
روشن بینی کامل و غلبه بر حس خود
خواهی و یکپارچگی هر چه

● دیر و زقطنامه‌های یازدهمین
کنفرانس کشور های تولیدکننده
نفت «اوپک» در پایتخت‌های کشور
های عضو منتشر شد، نکات برجسته
آن، قطنامه‌ها عبارتند از:

۱- لغو تخفیف‌هایی که تاکنون به کمپانی‌های صاحب امتیاز داده میشد. در این مورد قطعنامه یازدهمین کنفرانس اوپک یادآور میشود که با توجه به پیشرفتی که از نظر شرایط رقابت اقتصادی و وضعیت بازار نفتی جهانی پدید آمده است و با در نظر گرفتن مقررات قراردادهای الحاقی و سایر ترتیبات مربوط به هزینه گذاردن بهر هماکنانه پیشنهاد مینماید که هر یک از دول عضو دجهت از بین بردن کامل تخفیفی که بشرکت‌های نفتی داده شده است اقدام نماید.

۲- احتساب مالیات بر اساس
قیمت اعلان شده، در این قطعه نامه
گفته شده است که ماخذ تعیین و
زمینه نفت باوج خود نزدیک
میشود. در این مرحله نیز باید
ایران پیشاپیش ملت های استعمار

پاسخ شہر داری در بارہ کوچہ نامرئی

شرح ذی‌راژ طرف شهرداری تهران با دارا روزنامه رسیده است، خوشبختانه کوچه ای را که محل دست فرونها است و ایشان مرقوم داشته اند که اسفالت نیست اخیراً (یعنی قبل از نوشتن ایشان) اسفالت شده است منظورها از کوچه نامرئی همان کوچه قنات بوده است متأسفانه هنوز هم از نظر مسئولان امر نامرئی است و از کشفات آن چیزی کم نشده است و با صرف سه دقیقه وقت از طرف کارکنان تعقیب شهرداری قابل بررسی است. بهرحال ما از ایشان به متابعت توجه و ارسال جواب پاسخگویی می‌کنیم و حق تشکر خود را در مقامات پلیس تارسیدن جواب محفوظ می‌داریم. اینک پاسخ شهرداری را عیناً از نظری خوانندگان می‌گذازنیم

جریده شریفه خاک و خون
محترماً عطف بشرح مندرج در شماره ۷۵ مورخ ۱۳۰۲/۴/۴
آن جریده شریفه در مورد وضع کوچه پشت وزارت پست و تلگراف
طبق گزارش شهرداری ناحیه ۵ اشعار میدارد :

کوچه‌مذکور را که کوچه قنات نامیده می‌شود و در رفت‌و
مرتبا نظافت می‌کنند و اسفالت نیز می‌باشد. از طرف دیگری قسمت
شمالی ساختمان وزارت پست و تلگراف که با کشیدن دیوار کوچه
ایجاد شده که اسفالت نیست و عده‌ای دست‌فروش در آن مستقر هستند و
تا اتمام کار ساختمان وزارت پست و تلگراف و برداشتن دیوار موقت
و آزاد نمودن پیاده‌رو نمیتوان تصمیم گرفت و در ضمن معلوم نیست
مورد نظر آن جریده سه ریفه کدام یک از دو کوچه فوق‌الذکر می‌باشد
مع‌الوفد دستور داده شد نسبت به نظافت هر دو محل مراقبت دائم و
مستمر معمول دارند.

با احترام سرپرست دفتر اطلاعات ومطبوعات - آزادی
ونین نامه زیر از طرف شهرداری رسیده است که عیناً درج
میشود.

جریده شریفہ خاک و خون

محترماً عطف بشرح مندرج در شماره ۷۶ مورخ ۴۵/۲/۱۵
آن چریده شریفه در مورد وجود عده ئی و لکزد در کوچه جهانگردی
طبق گزارش شهرداری ناحیه ۵ اشعار میدارد:

در ساعات مختلف از کوچه مذکور مراقبت شد و تاکنون اشخاص و لگردی در آن مشاهده نگردیده است مع الوصف بماموران دستور داده شد که بکوچه مورد بحث سرکشی و مراقبت نمایند .

برخی از نمایندگان خاک و خون در شهرستانها

اہواز - خیابان پھولی پاسا زعیری - آقای حسین عطاوان
 خرمشہر - خیابان فردوسی طبقہ فوقانی بانک ایران و انگلیس
 آقای مجید سالمی
 آبادان - مطوعانی سازش آقای سازش
 مسجد سلیمان - آقای فضل الہ امینی
 دو گنبدان - آقای حافظ کھوائی
 آغا جاری - آقای معصوم علی نجفی
 رامہر مز - آقای یدالہ داودی
 ہفتگل - آقای رضا عبدی
 ہفت تپہ و شوش - آقای سید نجف موسوی
 دزفول - آقای عبدالمجید افتخار
 شوشتر - آقای محمد علی بقال سادات
 ایذه - آقای نادر کھوائی
 امیل - آقای علی بوستانی
 خارک - آقای ابراہیم سعادت مند
 کوت عبدالہ - آقای ہادی اقبالی
 رامشہر (خلف آباد) - آقای شریفی
 سوئسکرد - آقای سید محمد کاظم قدسی ماب
 خرم آباد - پل ولیعہد کتابفروشی دانش - آقای کریم
 چنایری

زاغه خرم آباد - مغازه خوش نیت - آقای نایب زاده
الشتن - یومیه مطبوعاتی آقای رحیم قیاصی - آقای
داود ضرغامی
بروجرد - کتابفروشی دانش - آقای صادق زاده
الیکودرز - خیابان پهلوی - آقای هوشنگ گودرزی
ازنا - آقای ونیری
درود - کتابفروشی گیتی - آقای جواد رافه
اراک - مطبوعاتی ذوالفقاری - آقای ذوالفقاری
نهاوند - آقای محمود شاکری

گوینده شعر بالا

میکنند، مامی مخلص اوستیم اما به دلیل دارد اختیار خود را در البیك حكومت جهانی بدست و لولتهائی بدیم که در سراسر مدتی

نسل جوان که محنت بام چنانه را کشیده است، نسل جوان که در اثر اغفال عناصر ضد ملی هبیت تر به ضربات را متحمل شده است اینک انتظار دارد تا این بیچاره قوم با دیگر علمی تازه بر وضو ملات بر نیفزاید و این دانش را در همین جایان دهند.

در جلسه سخنرانی گذشته ای
جمعیت که با استفاده غیر مجاز از
محل باشگاه دانشگاه بر کرا
گردید، یکی از استادان نامور
سخنانی گفت که چون ایشان در
شهر شاهواری رویه خود را اعلام
داشته اند امید آنست که حکومت
متحدہ جهانی همان آلودگی تباہ
که چون معشوق آنرا چیده است
بعد از این بر آن سجده بمرند
آرزوی ما آنست که این ماجرا
هر چه زودتر پایان یابد و نیازی
به تجزیه و تحلیل افکار و عقاید و
اشعار گویندگان این مجامع پیدا
نشود.

ده بیرجم مبارزه را بدوش کشد.

این بزرگترین شانس است
امروز تاریخ در اختیار ما گذارده
رسالت تاریخی خود را در
اهم مبارزه با استعمار و آزادی ملت‌ها
سیر بانجام رسانیم، بکوشیم تا از
این مرحله آزمایش سر بلند بیرون
نیم.

خاک و خون

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه

دارنده امتیاز و مدیر
سردبیر

سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۴۵

محل اداره: میدان بهارستان تلفن-۳۲۱۸۹
بهای آگهی: صفحه اول سطر ۵۰ ریال صفحه آخر
سطر ۴۰ ریال صفحات داخل سطر ۳۰ ریال
چاپخانه بورس ۳۳۹۷۱ - ۳۳۹۵۰ تک شماره ۲ ریال

وزارت فرهنگ و هنر پاسخ میدهد

شرح زیر از طرف وزارت فرهنگ و هنر در اختیار خاک و خون گذارده شده است که عینا درج میشود. ما از اینکه می‌شنویم عملیات حفاری باستانشناسی زیر نظر مستقیم مقامات ایرانی صورت می‌گیرد بسیار خرسند هستیم و چون آثار تاریخی متعلق به ملت ایران است و همه ایرانیان در مورد حفاظت اصولی از آن مسئولیت مشترک دارند، چنانکه خوانندگان ما در این مورد اطلاعاتی داشته باشند ستونهای روزنامه ما مانند همیشه در اختیارشان خواهد بود تا به منظور حسن جریان کارها با مقامات مسئول همکاری نمایند.

مدیر محترم روزنامه خاک و خون
در جواب شرحی که در شماره ۷۶ مورخ پنجشنبه ۱۵/۲/۴۵ آن جریده شریفه تحت عنوان (دادن امتیاز برای حفاری باستانشناسی- صحیح نیست) با استحضار میرساند: بقرا اطلاعاتی که از اداره کتب باستانشناسی و فرهنگ عامه بدست آمده است کلیه کاوشهای باستان- شناسی و بررسیهای علمی تحت نظر و با همکاری بازرسان فنی آن اداره کل انجام می‌گیرد و اجازه تجاوز به حریم آثار باستانی و تاریخی کشور به هیچکس داده نخواهد شد. علیهذا خواهشمند است مقرر فرمایید خبر مزبور اصلاح و واقعیت در معرض افکار عمومی گذاشته شود.

با تشکر - رئیس اداره اطلاعات و مطبوعات - مبشر

تشکر و اعتذار

از کلیه سروران گرام و ذوات محترم، افسران ارتش، مقامات محترم دولتی و شخصیت‌های عالیه قدر تهران و کردهای مقیم تهران که قبول زحمت فرموده برای تشییع جنازه مرحوم داوود بیگ جاف بزرگ خاندان جاف تا کرج تشریف آورده بودند و همچنین از کلیه کسانی که تسهیلاتی در تشییع جنازه قائل گردیدند و در کرمانشاه برای تشییع جنازه به صحنه و بیستون آمده و در این هوای سوزان تابستان تا خسروی جنازه را بدرقه نمودند و از اهالی محترم کردند و قهر شیرین و خسروی و همچنین از کسانی که در مجلس ختم آن مرحوم در مسجد مجید شرکت فرمودند و تلکرافات تسلیت فرستادند. نهایت درجه متشکریم و اگر شخصاً بواسطه ضیق وقت و تألمات روحی نمیتوانیم حضوراً از الطفاشان تشکر نمائیم بدینگونه از زحمات عالیه‌شان قدردانی مینمائیم و سلامتی و بقای همکیشانرا از ایزد دانا و توانا مسئلت مینمائیم.

خانواده جاف

حکومت عراق

حکومت دموکراسی بر سر کار باشد. و عراق بایک نظام انسانی زیست بکند. این هم هنگامی تحقق مینماید که بکردها حقوق حقه ایشان را بدهد، همه مردم عراق با یک نظام دموکراسی زندگی بکنند، یعنی همه چیز بر حسب اکثریت و انتخابات باشد.

آری صحیح است. عربهای عراق، نیز مثل ما دچار شکنجه هستند... زیرا عربها از جهت «مذهبی» اکثریت «شیعه» را می‌نامند و قسمتی «صائبه» هستند...

شایعه‌های اقامیه به حسب فتوای دانشمندی بزرگ (آیت‌الله الحکیم) جنگ را با کردهای مسلمان برادر خود، کفر میدانند و اطاعت از هیئت حاکمه را در این مورد مخالف با مقررات و اصول مذهبی و دینی میدانند. بدین سبب زیر بار جنگ نمیروند. هر چند موقع جغرافیایی ایشان برای نیابت مناسب نیست. و از نواحیه‌های مردم عراق از بیروان احزاب و جمعیت‌های (حزب وطنی دیموقراطی- حزب وطنی تقدیمی - حزب فاطمی - حزب استقلال - حزب بهبه - اخوان مسلمین- حزب تحریر- حزب جمهوری - حزب بهت- حزب توده) و هواخواهان پادشاهی و غیره می‌باشند، و افراد این احزاب و گروهها بطور کلی با نظام کنونی عراق مخالف هستند... و با هیئت حاکمه کنونی، جز از شوونیستهای عرب و عده‌ای چارپلوسهای منفعت شخصی - رور کسه در

حکومت عراق، صلاح پناه می‌برند و بی‌سرداران کرد خود کمک می‌کردند... ولی در بیابانی پناه می‌توانند گرفتند؟! بر علیه گروهی که نه وجدان دارند و نه دینا گروهی که بتواند رگبار مسلسل را بجماعتی مردان که پیشمضام آبادی سرچاوه، قرآنی در دست و از ایشان استقبال کرده است، توجیه کند. دیگر چگونه توان بی‌پناه بی کوهستان سخت... نبرد و مبارزه کرد !!؟

حکایت اخبار جهان

● سفینه جمینی نهم در ساعت پنج و سی و یک دقیقه بعد از ظهر دیروز بوقت تهران بزمین بازگشت. سفینه جمینی در نزدیکی نوا هوایما بر واسط در دریا که در آن هنگام بسختی متلاطم بود فرود آمد.

● بمب افکن‌های ناوگان هفتم آمریکا دیروز با وجود بدی هوا چهل و هفت مأموریت جنگی در ویتنام شمالی انجام دادند. در این حملات چند پل - چند قطار راه آهن - چند کشتی کوچک مخصوص عبور در رودخانه و یک کاروان کامیون بمباران شد.

● خبرنگار خبرگزاری یوگسلاوی دیروز از پکن گزارش داد که به تصمیم سران چین که نیست سر دبیران سه روزنامه چاپ پکن از کار برکنار شده‌اند.

● گزارش این خبرنگار نشان می‌دهد که تصفیه دامنه‌های که این روزها در حزب کمونیست چین آغاز شده شامل معاون دانشگاه پکن و چند تن از اعضاء مؤثر شهرداری شهر پکن نیز گردیده است.

● شورای وزیران کشورهای عضو پیمان اتلانتیک که دیروز بدون شرکت وزیر خارجه فرانسه در بروکسل تشکیل جلسه داد موافقت کرد قرارداد ستاد فرماندهی نیروهای پیمان اتلانتیک از پاریس به بلژیک منتقل شود.

● علیرضا گیلانی یکی از اعضای پارلمان پاکستان دیروز در مجلس نمایندگان پاکستان ضمن نطقی دولت هند را متهم کرد که در ۴ سال گذشته ۸ میلیون و پانصد هزار مسلمان هندی را به دو قسمت پاکستان رانده است.

● وزیر خارجه اندونزی ضمن مصاحبه‌ای در جا کارنا گفت که سوکارنو رئیس جمهوری این کشور هنوز موافقتنامه‌ای را که میان وی و معاون نخست وزیر مالزی در بانکوک امضاء رسید تصویب نکرده است.

● خبرنگاری رویترز دیروز از کراچی گزارش داد که بزودی وزیران خارجه اندونزی و پاکستان بایکدیگر ملاقات خواهند کرد.

● روزنامه سیانچیا ارکان حزب کارگر رومانی که ناشر افکار دولت این کشور بشمار میرود ضمن مقاله‌ای پیرامون نتایج سفر شاهنشاه ایران به رومانی نوشته است این سفر گام مهمی در راه گسترش همکاری اقتصادی و فنی و فرهنگی میان دو کشور ایران و رومانی بشمار میرود.

● دروازه‌های دیوار برلن دیروز پس از پنج روز که برای مردم آلمان غربی باز بود باریک‌تر شد در این مدت چهارصد و شصت و هشت هزار تن از مردم برلن غربی برای دیدن بستگان خود به برلن شرقی رفتند.

● بعد از ظهر دیروز زمین لرزه‌ای شهر بزرگ لاهور را در پاکستان غربی تکان داد. این زمین لرزه در شهر پیشاور در ۳۲۰ کیلومتری لاهور نیز محسوس بود.

● خبرگزاری خاورمیانه گزارش داد که یک ناوچه عربستان سعودی دیروز یک قایق ماهیگیری مصری را در دریای سرخ تصرف کرده است.

● کنگره نیروهای مسلح ویتنام جنوبی در جلسه دیروز خود ژنرال تیور رئیس کشور و ژنرال کی نخست وزیر ویتنام جنوبی را در مقامهای خود تثبیت کرد.

● روزنامه صوت العرب چاپ بغداد مینویسد که سفارت جمهوری متحده عرب در بغداد نسبت بمقاله‌ای که در مجله (نفث عرب) چاپ بغداد منتشر شده است بدولت عراق اعتراض و آن را بر ضد جمهوری متحده عرب تلقی نموده است.

شکایت رسیده

نامه زیر از طرف کارمندان غیر رسمی ثبت احوال کردستان رسیده است که قسمتی آنرا در زیر نقل میکنیم:

جناب آقای نخست وزیر محبوب - رونوشت روزنامه خاک و خون.

اینجانبان کارمندان غیر رسمی دولت در اداره ثبت احوال کردستان ۱۲ سال است در شهرها و قصبات و قراء دور افتاده و نقاط ریزی و صعب‌العبور حوزه‌های مأموریت خود انجام وظیفه مینمائیم. در گذشته احتیاجات سحلی ساکنین دهات کم به ندرت اتفاق می‌افتاد که یک نفر ده نشین به یک بزرگ رونوشت شناسنامه احتیاج پیدا کند و از طرف دیگر برای اینکه پسرانشان هنگام کبیر شدن به سربازی خوانده نشوند تممدا از دریافت شناسنامه خودداری میکردند. گاهی ناچاراً از طریق مقامات قضائی آنها و ادار بهاد شناسنامه میکردند، اما امروز در اثر انقلابها چانه‌بشاه مردم احتیاجات سحلی ساکنین دهات فوق‌العاده افزایش پیدا کرده خود مردم با اهمیت و لزوم شناسنامه بی‌برده و تهیه شناسنامه برای آنها الزام آور گردیده علی‌الخصوص اعزام شناسنامه‌ها به ادارات دبستان در هر قریه مردم را بیش از پیش راقب و وادار با خد شناسنامه اطفال خود نموده و بموازات این انقلاب مقدس کثرت و تصاعد کارها بصورت طغیان عظیمی نمودار گردیده ما به باوجود نداشتن وسیله نقلیه، نارسائی حقوقی ناچیز بودن هزینه سفر و عدم دریافت نروغ مزایا و فوق‌العاده بمنظور پیشرفت امور مردم سالهای گذر در روزها و ماهها سپری می‌شود و ما خون می‌خوریم و حسرت میکشیم دست خسته را روی شکم گرسنه میکذاریم و با حیرت مزایای سرشار سایرین و تبعیض بیجاو بی‌مورد فیما بین رادر شرایط کار مساوی و مسئولیت واحد می‌نکریم و با طافا لعل عیال و اولاد خود را بترمیم حقوق و زندگی بهتر نوید میدیم ولی متأسفانه حتی از اخذ مسلم و ناچیزی که برای ما قرار داده‌اند (یعنی عشر حقوق ماهیانه در دو سال کار) محروم گشته‌ایم، درینا بواسطه صرف عمر گرانیها نه در جای دیگر می‌توانیم استخدام شویم نه سرمایه داریم که به شمول دیگر بپردازیم راه‌سرو پیش بر ما مسدود گشته بقول معروف زمین سخت است و آسمان دور و ما در این وادی بی‌انها و وحشت‌زا اسیر، در مانده و سرگردانیم، از طرف دیگر لایحه استخدام بصورت سراب در آمده و باین زودی تصویب شدن نیست و اگر هم تصویب نهائی برسد (طبق نوشته جرائد) دولت در نهایت حاضر تا چند سال دیگر آماده اجرائی آن نمیشاید. برای ما بمنزل نوشداروی بدم از مرگ سهراب است اینک مصرا استدعا داریم نسبت بترمیم و افزایش حقوق جان نثاران که حداقل حقوق در کشور است مانند سایر ادارات عطف توجیه کامل و بذل عنایات عاجل فرمایند تا بتوانیم از بر تو توجیهات شاهنشاه عظیم‌الشان و دولت محترم بزندگی بی‌س و سامان خود

نیز دآن خون که نیز در بره پاسداری لینز خاک

بقیه سر مقاله

... رادیو بی‌بی‌سی لندن در برنامه پنجشنبه شب خود مورخه ۱۲/۳/۴۵ خبری را منتشر ساخت که حاکی از گسترش روزافزون نفوذ امپریالیستی بریتانیا در خلیج فارس و تحکیم هر چه بیشتر موقعیت سیاست استعماری این کشور در «بحرین» است، گوینده رادیو لندن در نهایت صراحت و بدون توجه واعتنا به تمامیت ارضی و بدون اعتنا به حق حاکمیت ایران در خلیج فارس و بخصوص بر سر زمین بحرین می‌گفت: در مذاکرانی که میان نمایندگان لندن و عمال شیخ بحرین صورت گرفته است بریتانیا تمهید گردید که سالانه مبلغی به عوامل مزدور خود در بحرین بپردازد و در عوض اجازه داشته باشد تا پایگاههای خود را در بحرین گسترش دهد...

این ایرانی آزاده و میهن پرست، سپس در نامه خود بدنبال آنچه از گفتار رادیو بی‌بی‌سی لندن نقل نموده اند و عمیق و تأثر بی‌پایان خویش را از این همه اعمال و تمسک دستکاههای مسئول ابراز میدارد - اوغم سنگین و کشنده خود را در قالب کلمات و جملاتی سوزان بیان داشته است که چرا، ما باید تا این اندازه از اساسی ترین حقوق خود غافل باشیم و اینگونه با سکوئی دهشتناک و مرگ آور، تجاوزات استعماری را بر استان چهاردهم میهن خود آشکار کنیم.

سلطان زاده، مسئولیت صریح و غیر قابل انکار همه سازمانهای مسئول و بخصوص وزارت خارجه را در چنین حق کشتی و تسلیم نمیکنی نسبت به تجاوزات سیاست های استعماری بر حقوق ملت ایران و تمامیت ارضی سرزمین ما، مورد تأیید قرار داده است و از «خاک و خون» خواستار گردیده، تا همچنان نبرد آزادیگری بخش خود را دنبال کند.

حقیقت این است که تنها سلطان زاده نیست که از این همه تمسیدی و تجاوز سیاست های استعماری بر حقوق ملت ایران خون از دیده میگرد.

همه مردم آزاده و بیدار دل این سرزمین بر این همه ظلم و ستمی که به ملت ایران روا میگردد و از این همه بی‌اعتنائی که مقامات مسئول نسبت بصالح حیاتی نشان میدهند غمی جانگداز در وجود احساس میکنند.

مگر چه شده است که در میان همه ملتها ما باید بخاطر مطامع سیاست‌هایی که هرگز با ما دوستی و مودت نداشته‌اند و هر زمان که توانسته‌اند از هیچ کید و تدبیر و دشمنی خودداری نکرده‌اند با بروی حقوق حقه و حیثیت ملی خود بکذاریم؟

چهاردهم است که ما همچنان باید شاهد آخرین تلاشهای مذبح‌خانه سیاست‌های شوم امپریالیستی باشیم و اسارت صدها هزار هم‌میهن خود و گوشه‌ها و پاره‌هایی از «نیاکه» خویش را در جنگل استعمارگران نظاره کنیم و دم بر نیاوریم!!

چرا سازمان‌های حاکمه تحرک و رستاخیز عظیم زمان را در نمی‌یابند؟ چرا آنان با همان نحوه اندیشه و منطق یوسیده و استعماری دیرین مسائل را بررسی میکنند؟ چرا مسئولان امر باین حقیقت درخشان که شاهنشاه ایران زمین ضمن مصاحبه مطبوعاتی خود در کشور رومانی بیان داشتند توجه ندارند که «دوران امپریالیسم سپری شده است»؟

هنگامی که رئیس مملکت ما، اینگونه آگاهانه بر گردش چرخ تاریخ انکاء نموده است، هنگامی که ملت ایران با الهام از ناسیونالیسم ایران زمین، در کوشش و تلاش است که بندهای استعمار را بهر شکل و صورت که باشد، یکی پس از دیگری از هم بکشد، چرا سازمان‌های حاکمه و عناصر مسئول، تا این اندازه خود را به نیازهای ملی و رستاخیز آزادیگری بخش ملت ایران خونسرد و بی‌اعتنا نشان می‌دهند؟

اکنون ملت ایران با مسائل عظیم و حیاتی خویش روبرو است - مسائلی که هر یک بمنزله پایه و رکنی از بنای استقلال ملی و پایداری برای ادامه حیات و زندگی ملت ایران است - وجود این مسائل ناشی از روش‌های نادرست و سیاست‌های ضد ایرانی است که طی یک قرن اخیر از سوی سازمان‌های حاکمه ایران دنبال گردیده است و نتیجه دامنه اعمال چنین روشی آن گردیده است که اکنون ملت ایران ناظر تسلط و تجاوز نیروهای ضد ایرانی و سیاست‌های استعماری بر بسیاری از رکن‌های زندگی خویش میباشد.

از مهمترین این مسائل، موضوع حق حاکمیت ملت ایران بر خلیج فارس و بخصوص پایان دادن بدوران سیاه جدائی «بحرین» از ماممیهن می‌باشد.

موضوع استقرار حق حاکمیت ملت ایران بر خلیج فارس و پایان بخشیدن جدائی و اسارت بحرین، تنها از این جهت حائز اهمیت نیست که ما باید حقوقی را که متعلق به ملت ایران است و آنچه را که بموجب شواهد و دلائل غیر قابل انکار تاریخی و اجتماعی و وابسته به ملت ایران و سرزمین ایرانیان میباشد، از چنگال متجاوزین برهانیم، بلکه اعاده حقوق حقه ملت ایران در این منطقه و استقرار حق حاکمیت ملت ایران در خلیج فارس از جمله مسائلی است که باز زندگی و حیات ملی ما و با امنیت و سعادت مردم آسیای میانه از ارتباط قطعی دارد.

خلیج فارس همواره همانند دروازه تمامیت ارضی و استقلال و آزادی ملت ایران و نیز بمنزله شریان اصلی زندگی دور از بردگی مردم این منطقه بوده است.

ما نمی‌توانیم دروازه استقلال و آزادی خود را بدست هیچ بیگانهای بسپاریم، و وجود و گسترش هر سیاست بیگانه در خلیج فارس بهر صورت و تحت هر عنوان که باشد، بمنزله وسیله مسلم تجاوز به ملت ایران و مهمترین انگیزه برای درهم ریختن اساس زندگی و صلح و امنیت میلیون‌ها مردمی است که در پهنه خلیج و سواحل آن زندگی می‌کنند.

بدینسان، مسائل مربوط به خلیج فارس از اصول سیاست ملی ایران است و غفلت و بی‌اعتنائی نسبت بدین مسائل گناهی است نا بخشودنی.

ما با انکاء بر هیچ منطق و تعبیر و تفسیری نمیتوانیم از حقوق تاریخی ملت ایران بر خلیج فارس منصرف گردیم - ما هرگز نمیتوانیم جدائی و اسارت استان چهاردهم ایران «بحرین» را بیش از این تحمل کنیم.

و این مبارزه‌ای عظیم و کوششی پر دامنه برای تحقق بخشیدن بآرمانهای ملت ایران در پهنه خلیج و غرب ایران زمین صورت گیرد.

باید این سکوت دهشتناک قرن سیاه اخیر شکسته شود و هر کسی که وابسته به ملت ایران است بر ستارخیز عظیمی به پیوند که حقوق حقه ملت ایران را خواستار است.

محسن پز شکپور

تفسیر سیاسی

سرشار از خشم و حقارت قرون اعصار گذشته صورت خواهد گرفت یعنی ملل آسیائی که در کنار این آزادی مخوف قرار گرفته‌اند. ادعای مائو که صریحاً آرزوهای وحشتناک خویش را مطرح می‌سازد و حتی نسبت به کشور هم‌مسلك خود روسیه ادعای ارضی دارد پرده از رازی وحشتناک برمیدارد و هنگامی که به ادعاهای چین نسبت بر سرزمینهای داخل چین باعث بروز شایعات و بر آمدن موجی از مخالفت گردید اما تصفیه اخیر که پیروزی مائو

دور عمیق‌تر می‌اندیشیم آنوقت عظمت خطری را که در برابر آن قرار دادیم بهتر روشنتر بر ما آشکار می‌گردد و اهمیت دور اندیشی و مسامداران کشورها را آسیائی و سیاستمداران طراز اول جهان بیشتر و بهتر معلوم می‌گردد. شکست برنامه‌های سیاسی چین در آسیا و آفریقا بخصوص شکست نمایان او در اندونزی و داخل چین باعث بروز شایعات و بر آمدن موجی از مخالفت گردید اما تصفیه اخیر که پیروزی مائو سروسامانی دهیم و با فدیویت و دلگرمی هر چه بیشتر خدمت صادقانه خود را ادامه دهیم. سید علی حسینی - حسینعلی ابراهیمی - علی اکبر رحیمی علی اصغر تهرانی

با تقدیم احترامات فائقه